

کتاب مقدس برای کودکان  
تقدیم می کند



پادشاه خوش قیافه  
نادان



سموئیل، رهبر و داور اسرائیل  
، پیر بود. بنابراین پسرانش را  
به عنوان داوران اسرائیل  
گذاشت تا جای او را در خدمت  
خداوند بگیرند. اما پسرانش،  
طمعکار بودند. آنها پول دوست  
بودند و از قدرتش استفاده می  
کردند تا پول بیشتری بگیرند.



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest ; Alastair Paterson

بازگویی از: Lyn Doerksen

مترجم: Shahrzad

ناشر: Bible for Children

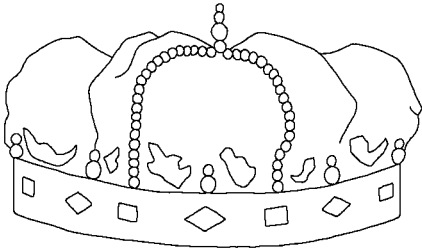
www.M1914.org

BFC  
PO Box 3  
Winnipeg, MB R3C 2G1  
Canada

©2021 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان را کپی و با چاپ نمائید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

پیران اسرائیل از سموئیل درخواست کردند که: "برای ما پادشاهی بیاور". آنها نمی خواستند که پسران فاسد سموئیل برای آنها داوری کنند. آنها یک پادشاهی می خواستند مثل ملت های همسایه شان.



4

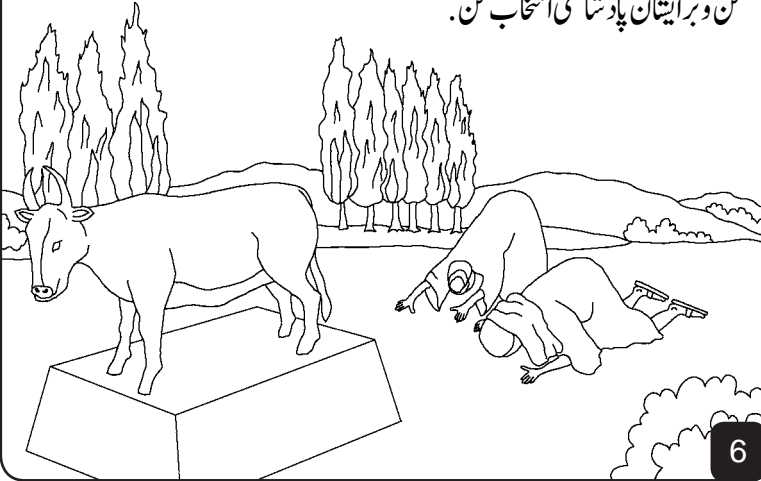
مردم اسرائیل، به خاطر شرارت های پسران سموئیل متحمل سختی های زیادی شدند. قضاوت ها منصفانه نبود. مردم برای هر کمکی که می خواستند باید به پسران سموئیل پول می پرداختند. باید اتفاقی می افتاد. یک روز بزرگان اسرائیل دور

هم جمع شدند و از سموئیل کمک خواستند.



3

وقتی سموئیل دعا کرد، خداوند به او گفت: مردم تو را رد نکرده اند، آنها مراد کرده اند، که من بر آنها سلطنت نکنم. آنها خدایان دیگر را پرستش کردند. به صدای آنها توجه کن و برایشان پادشاهی انتخاب کن.



6

سموئیل از درخواست آنها

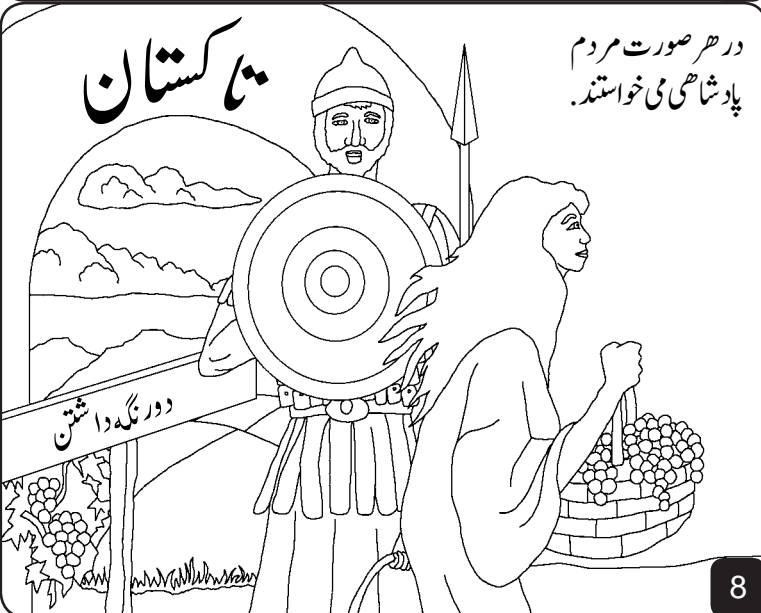
عصبانی شد.

اسرائیل خود پادشاه داشت. خداوند قادر، پادشاه ابدی، بر اسرائیل حکم فرمائی کرد. مدتها قبل خداوند قوم اسرائیل را از بردگی در مصر آزاد کرد و آنها را از دریای سرخ عبور داد تا از مصر بگریزند. سپس او به اسرائیلی ها سرزمین زیبایی داد.

5

پادشاهی

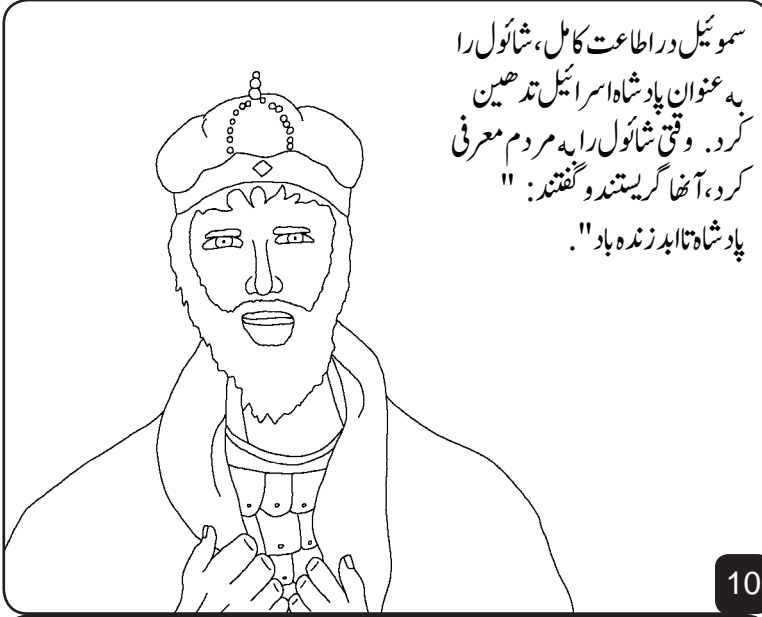
در هر صورت مردم پادشاهی می خواستند.



8

خداوند به سموئیل گفت که به مردم هشدار دهد که پادشاهشان از آنها مالیات خواهد گرفت. بهترین زمین ها را برای کشاورزی و پرورش انگور خواهد برداشت، پسرانشان را به خدمت سربازی و دخترانشان را به خدمت در قصرش خواهد گرفت.

7



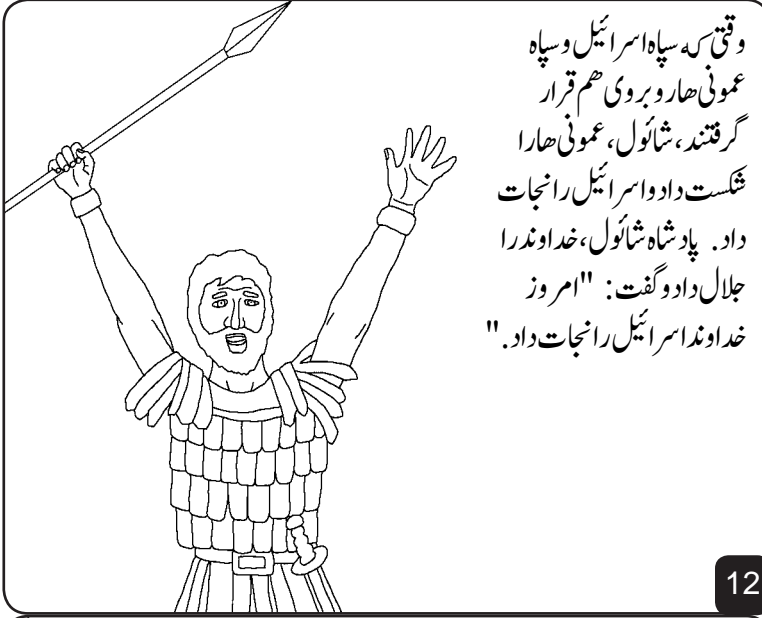
سموئیل در اطاعت کامل، شائول را به عنوان پادشاه اسرائیل تدعیین کرد. وقتی شائول را به مردم معرفی کرد، آنها گریستند و گفتند: "پادشاه تا ابد زنده باد".

10



خداوند سموئیل را به سوی مرد جوانی که خیلی خوش قیافه، خجالتی و بلندقد بود هدایت کرد. یک سر و کردن از افراد دیگر بلند تر بود. نام او شائول بود. وقتی سموئیل، شائول را دید، خداوند به او فرمود: "این مرد بر قوم من سلطنت خواهد کرد."

9



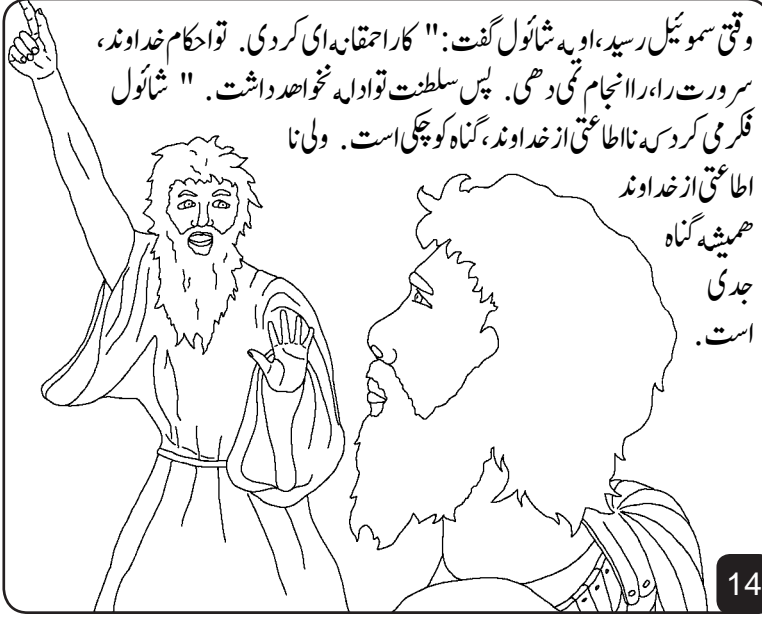
وقتی که سپاه اسرائیل و سپاه عمونی هارو بروی هم قرار گرفتند، شائول، عمونی هارا شکست داد و اسرائیل را نجات داد. پادشاه شائول، خداوند را جلال داد و گفت: "امروز خداوند اسرائیل را نجات داد."

12



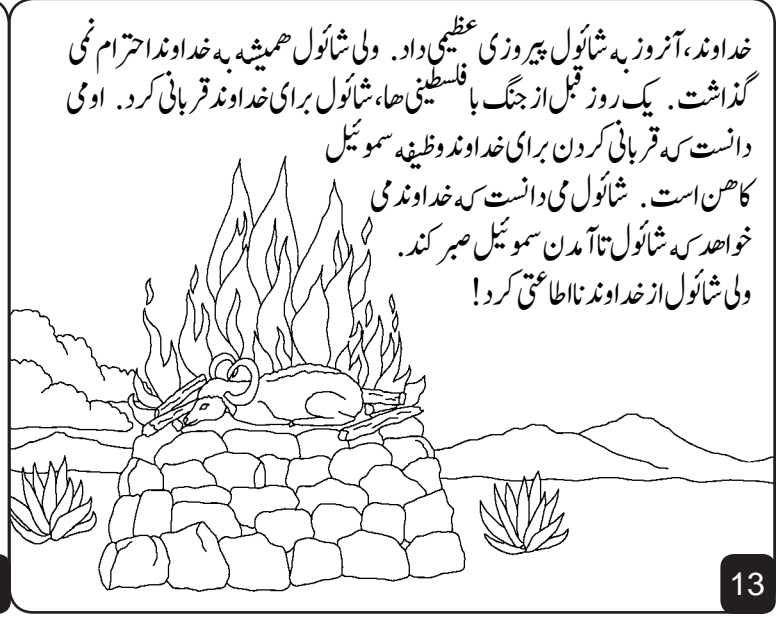
خیلی زود شائول مورد آزمایش قرار گرفت. عمونی ها، قومی که از اسرائیلی ها متنفر بودند، اسرائیل را محاصره کردند و آنها را تهدید کردند که چشم راست هر مرد اسرائیلی را از حدقه در می آورند. چه نقشه ظالمانه ای! خبر تهدید عمونی ها به پادشاه شائول رسید. او سپاهش را آماده کرد.

11



وقتی سموئیل رسید، او به شائول گفت: "کار احقانه ای کردی. تو احکام خداوند، سرورت را، را انجام نمی دهی. پس سلطنت تو ادا نخواهد داشت." شائول فکر می کرد که ناطاعتی از خداوند، گناه کوچکی است. ولی ناطاعتی از خداوند همیشه گناه جدی است.

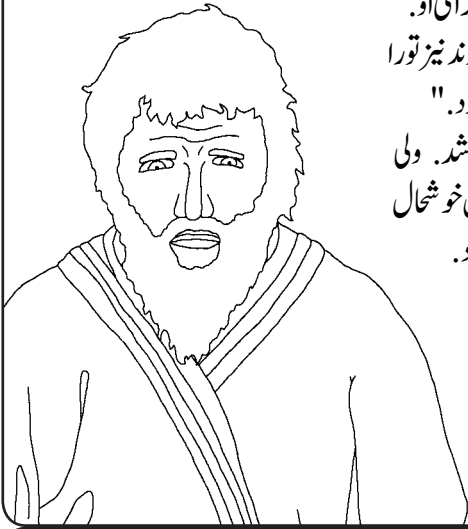
14



خداوند، آن روز به شائول پیروزی عظیمی داد. ولی شائول همیشه به خداوند احترام نمی گذاشت. یک روز قبل از جنگ با فلسطینی ها، شائول برای خداوند قربانی کرد. او می دانست که قربانی کردن برای خداوند وظیفه سموئیل کاهن است. شائول می دانست که خداوند می خواهد که شائول تا آمدن سموئیل صبر کند. ولی شائول از خداوند ناطاعتی کرد!

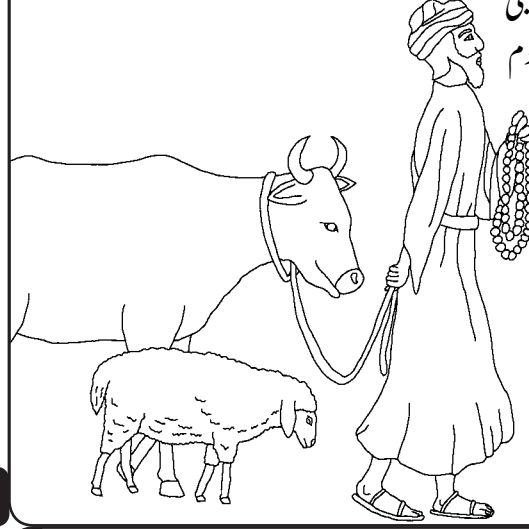
13

سموئیل به شاول گفت، " اطاعت از خداوند بهتر است تا قربانی کردن برای او. " تو فرمان خداوند را رد کردی، و خداوند نیز تو را از سلطنت بر اسرائیل رد خواهد کرد. " شاول خیلی از گناه خودش متاسف شد. ولی دیگر خیلی دیر شده بود. بقیه عمرش خوشحال نبود چون از خداوند اطاعت نمی کرد.



16

یک بار دیگر، خداوند به شاول فرمان داد تا مردم شرو عمالیتی را نابود کند. اما شاول و مردم اسرائیل پادشاه عمالیتی، اتاق، را زنده گذاشتند. آنها حتی اشیای قیمتی، گوسفندان و گاوهارا نگه داشتند. شاول گفت، آنها را نگه داشته تا برای خداوند قربانی کند.



15

پادشاه خوش قیامه نادان

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

اول سموئیل ۱۶-۸

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مز مور ۱۱۹: ۱۳۰

پایان

18



60

18

داستانهای کتاب مقدس با مادر باره خدا بی صحبت می کنند که ما را آفرید و اراده او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدای داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم کارهایی که او آزارگناه می خواند. مجازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانۀ خود را فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. اگر توبه عیسی ایمان بیاوری و از او بخوانی که گناهان تو را ببامرزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسیای عزیز من ایمان دارم که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی. خواهش می کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه ای داشته باشم و برای همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند توبه تو نام تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶

19